

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال ششم - بهار 1405 - شماره 24 - ص 127 - 140

نقش والدین در تربیت اخلاقی کودک از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه

معصومه ترخانی قیچاق¹

چکیده

یکی از ویژگی های مهم معصومین (علیهم السلام) توجه به تربیت فرزندان است که از هر فرصتی برای تربیت و آموزش فرزندان استفاده می کردند. مثلاً در نامه حضرت علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) که خود یک منشور با ارزش تربیتی محسوب می شود، این مسئله به خوبی آشکار است. در این مقاله سعی داریم تا با استفاده از نهج البلاغه به نقش والدین در تربیت اخلاقی کودک بپردازیم. زیرا تربیت اخلاقی در سنین کودکی از اهمیت خاصی برخوردار است و وزیر بنای تربیت محسوب می شود. مهمترین یافته های این تحقیق این است که حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بهترین الگوی والدین هستند که به تربیت فرزندان صالح و شایسته می اندیشند و والدین باید تلاش نمایند به عنوان اولین مرحله اعتماد فرزندان را با فراهم آوردن محیطی سرشار از ایمان، عاطفه و عشق، به خود جلب نمایند و با کنترل های منطقی و صحیح و نصیحت های دوستانه و ارائه تذکرات به موقع آنان رو با مسائل اخلاقی آشنا نموده و با برنامه ریزی مناسب در یک مکان آرام و امن به سمت خوبی ها هدایت کنند. شیوه نگارش این مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی تدوین شده است.

واژگان کلیدی: اخلاق، تربیت، نقش، والدین

1. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته مشاوره خانواده با رویکرد اسلامی، حوزه علمیه حضرت ولیعصر(عج) خواهران، بناب، آذربایجان شرقی.

مقدمه

تربیت کودک از مهمترین و اصلی ترین مسائل تربیتی محسوب می شود و مقدمه ای است بر تربیت های بعدی. به همین جهت دین اسلام به این موضوع اهمیت ویژه ای داده است که در قرآن و روایات از معصومین (علیهم السلام) به آن پرداخته شده است. زیرا ذهن و روان کودک همچون زمینی مستعد برای رشد و نمو است که در اختیار والدین می باشد و اگر این فرصت از دست برود، جایگزین آن بسیار سخت و حتی ناشدنی است. به همین دلیل اهمیت و ضرورت دارد تا کودک بسیاری از سجایای اخلاقی را با روش های صحیح و عالمانه از پدر و مادر خویش می گیرد. شجاعت، سخاوت، صداقت و امانت، بردباری و مانند آنها اموری هستند که به راحتی کودکان از بزرگترهای خانواده کسب می کنند. و رذائلی مانند دروغ، خیانت، و ناپاکی و مانند آن را نیز از آنها کسب می نمایند در واقع محیط خانه نخستین و بادوام ترین عاملی است که در رشد اخلاقی کودکان موثر است کودکان از شیوه کردار و رفتار والدین نیز بسیار می آموزند و این یادگیری از راه دیداری و شنیداری و به شکل تقلیدی و الگو پذیری است و می توان گفت پایه های تربیتی فرد در خانه نهاده شده است و تأثیرات فراوانی را در تربیت اخلاقی کودک خواهد داشت. در نهج البلاغه آمده است (عالی ترین مایه مجد و شرف آدمی حسن خلق است) و کودکی بهترین زمان برای نهادینه کردن تربیت اخلاقی است که می توان از این فرصت به بهترین نحو استفاده کرد هدف از مقاله حاضر استفاده از قرآن و کلام معصومین به ویژه نهج البلاغه تا به این سوال پاسخ دهد که نقش والدین در تربیت اخلاقی کودک چیست و از چه روش هایی می توانند استفاده کنند تا به این مهم برسند؟ تا کنون در مورد «نقش والدین در تربیت اخلاقی کودک» مقالات و کتب بسیاری به چاپ رسیده است که به عنوان پیشینه تحقیق به برخی از آنان اشاره می شود. کتاب «تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، نویسنده: فیروز شیردل، انتشارات جالیز، ۱۳۹۹ش» و مقاله «امکان تربیت اخلاقی کودکان تا ۷ سال بر اساس آموزه های اسلام (آیات و روایات) نوشته موحدی و دیگران ۱۳۹۷» و مقاله «تأملی درباره جایگاه تربیت اخلاقی کودکان در خانواده بر اساس دیدگاه امام علی (علیه السلام) نوشته مریم اصفهانی ۱۳۹۷ش. نشریه اخلاق» و مقاله «بررسی موانع تربیت اخلاقی از دیدگاه امام (علیه السلام) نویسنده فرزانه رفیعی، بیست و نهمین سمینار ملی تخصصی بقیه الله (عج) ۱۳۹۶» به ضرورت و اهمیت تربیت اخلاقی کودک و نقش والدین در این زمینه پرداخته خواهد شد و از این گونه نوشتارها می توان در جهت آموزش خانواده ها به منظور سلامت روح و روان کودکان و تربیت نسل مختلف به اخلاق الهی استفاده کاربردی نمود.

1- مفهوم شناسی

در این قسمت برای درک عمیق از موضوع مقاله، کلمات کلیدی به صورت لغوی و اصطلاحی تعریف خواهند شد.

1-1- مفهوم اخلاق

اخلاق (أ) (ع) (أ) جِ خُلُقٍ، خویها؛ اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ - برانگیختند مرا به پیامبری تا کامل کنم مکارم اخلاق را. اخلاق جمع خلق و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیر ظاهر قابل درک است. در مقابل «خلق» به شکل و صورت محسوس و قابل درک با چشم ظاهر گفته می شود همچنین «خلق» را صفت نفسانی راسخ نیز می گویند که از سان، افعال متنا سب با آن صفت را بی درنگ انجام می دهد. مثلاً فردی که دارای خلق شجاعت است در رویارویی با دشمن تردید به خود راه نمی دهد. این حالت استوار درونی ممکن است در فردی به طور طبیعی، ذاتی و فطری وجود داشته باشد. منشاهاى دیگر خلق، وراثت و تمرین و تکرار است. صفت راسخ درونی، ممکن است «فضیلت» و منشا رفتار خوب باشد و یا «رذیلت» و منشأ کردار زشت، به هر روی بدان «خلق» گفته می شود.

اخلاق جمع «خلق» است و در لغت «خلق» و «خلق» از یک ماده «خ ل ق» است. خلق ناظر به شکل ظاهری انسان است، و خلق به شکل باطنی و نفسانی انسان نظر دارد. همانطوری که شکل ظاهری انسان متصف به صفت نیک و بد و زشت و زیبا است، شکل باطنی و نفسانی انسان نیز دارای اوصاف خوب و بد و زشت و زیبا است.

اخلاق به صفات درونی انسان گفته می شود که در درون نهادینه شده است. این واژه. هم خوی های نیکو و پسندیده مانند جوان مردی و دلیری را شامل می شود و هم خوی های زشت و ناپسند همچون فرومایگی و بزدلی را. همچنین اخلاق فردی چون صبر و شجاعت و اخلاق اجتماعی مثل تواضع و ایثار را در برمی گیرد.

برخی از خوی های اخلاقی، تنها جنبه فردی دارند و بدون در نظر گرفتن اجتماع، مطرح اند. به این گونه از خوی ها، اخلاق فردی می گویند. برخی دیگر از آنها، در رابطه فرد با انسان های دیگر، شکل می گیرند، به گونه ای که اگر یک انسان، تنها زندگی کند، برای او مطرح نخواهند بود. به این خوی ها اخلاق اجتماعی گفته می شود.

2-1- مفهوم تربیت

1- پروردن. 2- ادب و اخلاق را به کسی آموختن، تربیت معلم مرکزی که دانشجویان را برای تدریس در مدارس یا دانشگاه ها آموزش می دهد، دانش سرا.

تربیت را دارای دو بعد می باشد: تربیت رسمی و غیر رسمی منظور از تربیت رسمی آموزش کلاسیک می باشد که در مدارس و دانشگاه ها به آن پرداخته می شود و تربیت غیر رسمی به

مجموعه آموخته ها و یادگیری از طریق مختلف چون رسانه ها، کتابهای غیره در سی، فعالیت های تربیتی اجتماعی، محیط، خانواده ها، و به فرد به دست می آورد. به طور کلی میتوان تربیت را اینگونه تعریف نمود: تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای شکوفا کردن و به فعلیت رساندن استعداد های بالقوه انسان و حرکت تکاملی او به سوی هدف و بر اساس برنامه ای دقیق و حساب شده.

تربیت در لغت از ریشه «ربو» و به معنای افزودن و رشد و نمو آمده است. علمای علم لغت، «رب» را نیز ریشه شغل تربیت می دانند و در برخی موارد معنای متفاوتی برای آن بر شمرده اند. تربیت به معنی پرورش است. یعنی ایجاد کردن حالتی پس از حالتی دیگر در چیزی تا به حد نهایی و تمام و کمال آن برسد.

در اصطلاح نیز تعاریف مختلفی برای این واژه آمده است: تربیت به معنای انتقال اطلاعات، تجارب، معلومات، مهارت ها و باورهای فرهنگی به نسل های دیگر است. در تعریفی دیگر آمده است که تربیت به معنای ایجاد کردن و یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمال در انسان است و مطلوبیت و ارزش داشته باشد. بنابراین تربیت در اصطلاح عبارت است از شکوفایی استعدادهای درونی انسان در حیطه های سه گانه ارتباطی او، تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه ها و عوامل برای فعالیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهای انسان در جهت مطلوب. با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی واژه تربیت تعریف جامع و کامل که در بر می گیرد «تربیت به معنای رشد و پرورش استعدادهای است که بر اساس یک برنامه بوده و به منظور اثرگذاری بر فرد صورت بگیرد.

۲- نقش والدین در تربیت اخلاق کودک

والدین (پدر و مادر) در تربیت اخلاقی فرزند نقش بسیار مهمی را دارند و می توانند با دانستن و عمل نمودن به آموزه های اخلاقی به امر مهم داشتن فرزند صالح هستند بر سنده اهمیت این موضوع، زمانی آشکار می شود

که توجه داشته باشیم که اولاً کودک، بسیار تاثیر پذیر است، و ثانیاً تنها آثاری که در آن دوره، در روح او نفوذ می کند، بسیار ماندنی و پابرجا است. امیرمؤمنان علی (ع) در حدیثی فرمود: « العلم فی الصغر، کالنفس فی الحجر» تعلیم در کودکی همانند نقشی است که روی سنگ کنده می شود. در این قسمت از مقاله قصد داریم تا به این موضوع با محوریت نهج البلاغه بپردازیم:

۱.۲_ جلب اعتماد کودک

کودکان به عنوان یک مقلد و الگوپذیر، والدین خود را سرمشق قرار داده و به صورت غیر مستقیم بسیاری از مسائل اخلاقی را آموزش می بینند، بنابراین پدر و مادر به عنوان الگو برای کودکان خود می بایستی اعتماد فرزندان خود را جلب و خیال آنها را درباره توانایی های خویش

در زمینه تربیت آسوده کنند و در محبت نمودن به یکدیگر از هیچ تلاشی فروگذار نکنند و قطعاً جلب اعتماد یکدیگر موجب ایجاد یک محیط امن توأم با محبت می شود و ما در سیره ائمه معصومین (علیهم السلام)، این رابطه صحیح را با فرزندان می بینیم، به گونه ای که هم خود به آن عمل می کردند و هم به دیگران درباره آن سفارش می فرمودند.

امام علی (علیه السلام) در نامه ای این گونه اعتماد امام حسن (علیه السلام) را به خود جلب می کند. «پسرم! اگر چه من به اندازه پیه شینیان عمر نکرده ام ولی در کردار آنها نظر افکندم و در اخبارشان اندیشیدم و در اثر شان سیر کردم. تا آنجا که گویی یکی از آنها شده ام، بلکه با مطالعه تاریخ آنان گویا تا پایان عمرشان با آنان بوده ام پس قسمت های روشن و شیرین زندگی آنان را از قسمت های تیره آن شناختم و زندگانی سودمند آنان را با دوران زیان بارش شناسایی کردم. سپس از هر چیزی مهم و ارزشمند آن را و از هر حادثه ای، زیبا و شیرین آن را برای تو برگزیدم و ناشناخته های آن را دور کردم. پس ابا دانشی فراوان و اندوخته هایی انبوه، آن گونه که پدری مهربان نیکی ها را برای فرزندش می پسندد، من نیز بر آن شدم تا تو را با خوبی ها تربیت کنم»

«چه نیکوست که کودک نسبت به آگاهی و توانایی والدین، در امر تربیت اعتماد کنند و بدانند که والدین، خواهان خیر و سعادت او هستند و آنچه را انجام می دهند، به خاطر آسایش و خیر او است. ضروری است که کودک درک کند والدین او افرادی هستند صمیمی، فداکار، آگاه و دارای تجربه که دغدغه خوشبختی او را در سر دارند و به هنگام اوقات تلخی ها قصد ندارند که کودکان را بیازارند و به او آسیبی برسانند، بلکه انگیزه شان از برخوردهای تندى که گاهی ممکن است با آنها داشته باشد. خدمت و تربیت آنان و به دنبال آن، رشد و تعالی آنان است. پس برای آن که فرزندان، به همه رفتارهای والدین با آنها خوش بین و برای تمام رفتارهای آنان، توجه مثبتی داشته باشند، باید والدین، اعتماد سازی کنند و اطمینان آنان را به طور کامل به سوی خویش جلب نمایند».

بنابراین اولین و مهمترین کاری که والدین در زمینه نقش آفرینی خویش می توانند انجام دهند این است که اعتماد فرزند را به تولدایی، دلنایی و خیرخواهی خود جلب نمایند تا فرزند بتواند آنان را به عنوان یک پشتوانه محکم بپذیرد.

۲-۲- تقویت ایمان و تقوا

یکی از نقش های پدر و مادر در قبال فرزندان، حفظ ایمان و معرفت آنان است و در این راه نباید از هیچ کوششی دریغ نمایند و از هر فرصتی باید در جهت تقویت ایمان خود و اهل خانه کوشا باشند. زیرا از مهم ترین وظایف و مسئولیت های یک فرد مسلمان، مراقبت و مواظبت بر ایمان یکایک اعضای خانواده است: «یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ

وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ: ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگهاست، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی کنند و آنچه را فرمان داده شده اند، به طور کامل اجرا می نمایند»

این آیه برای آن سان مؤمن خطوط مسئولیت او را ترسیم می کند تا او را از چارچوب فردیت خارج کند و به سوی خواسته های انسانی و دینی گسترده سوق دهد، یعنی به آنجا که اندیشیدن برای رهایی و رستگاری دیگران همچون جزئی از مسئولیت او در زندگی به شمار می رود. به همین جهت است که امامان راهنما در تفسیر خود درباره این آیه کریمه تأکید کرده اند. سلیمان بن خالد می گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم که مرا اهل بیتی است که حرف مرا می شنوند. آیا آنان را به این امر بخوانم؟ فرمود: آری، خدای عز و جل در کتاب خود اینگونه فرموده است»

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «برترین معرفت، شناخت آدمی از خویشتن است» و «هر که خود را بشناسد، پروردگار خود را شناخته است» بنابراین، در تربیت، شناخت انسان جایگاهی بس ارزشمند دارد و چنانچه از سان به این مهم مبادرت نورزد، از فهم مسائل دیگر نیز در می ماند. طبق اصول تربیت، از سان باید قوس صعودی را در جهت حقیقت ملکوتی خود بپیماید. امام (علیه السلام) در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن مجتبی (علیه السلام) می نویسد: «بدان که تو برای آن جهان آفریده شده ای نه برای این جهان» این جهان مدرسه تربیت انسان است و باید به سوی آخرت گام بردارد. امام (علیه السلام) همگان را بدین مقصد فراخوانده و فرموده است: «از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا میباشید که روز رستاخیز هر فرزند به مادر خود می پیوندد»

۲-۳- کنترل مکان و محل های آمد و رفت کودکان

محل زندگی و مکان ها و منازل و آموزگشگاه های مختلف و ... که کودکان در آنجا رفت و آمد دارند می توانند در تربیت اخلاقی کودکان تاثیر مثبت و یا منفی بگذارد مثل مهد کودک، مدرسه، باشگاه و برخی از مکان های نامناسب می تواند شرایط تحقق عمل انحرافی را در کودک ایجاد نماید و معمولاً انحراف ها در مکانی انجام می شود که نظارت صحیح از طرف والدین و مسئولان امر نیست و آمار نشان می دهد ارتکاب جرم و انحراف در برخی مکان ها بیشتر است و با نظارت صحیح می توان عمل مجرمانه را به کنترل در آورد. برای مثال، امام علی (علیه السلام) مکان های گرد هم نشینی و وقت گذرانی در بازار را به عنوان یکی از زمینه های انحراف و معصیت بر شمرده است: «وَإِيَّاكَ وَمَقَاعِدَ الْأَسْوَاقِ فَإِنَّهَا مَحَاضِرُ الشَّيْطَانِ وَمَعَارِضُ الْفِتَنِ»

این اخطارها به دنبال هدف از بین بردن زمینه های ارتکاب جرم و تحقق پیش گیری و ضعی است. در برخی از این سخنان قرار گرفتن در محیط هایی که زمینه ارتکاب جرم در آنها فراهم است به کلی مورد نهي قرار گرفته است مگر آن که حضور شخص از ارتکاب جرم توسط دیگران پیش گیری نماید.

امام علی (علیه السلام) در مورد تأثیر محیط و جامعه در تربیت فرزندان، می فرماید: «وَأَسْكُنِ الْأُمَّ صَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ، وَاحْذَرُ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ وَالْجَفَاءِ وَقَلَّةَ الْأَعْوَانِ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ - در شهرهای بزرگی که مرکز اجتماع مسلمانان است، مسکن گزین و از محیط و جوامعی که اهل غفلت و ستمکاری در آنجا هستند و یاران مطیع خدا کمتر در آن نواحی یافت می شوند، بپرهیز.»

۲-۴- جلوگیری از رفاه زدگی

یکی از دلایل انحراف در اخلاق کودکان توجه بیش از حد والدین به آنان در زمینه مسائل مادی می باشد، یعنی تحت امر بودن همه چیز و همه کس و هر چه را که خواستند سریع برای شان مهیا شود. این مسئله باعث نوعی غرور و خود بزرگ بینی و رفاه زدگی شده و موجبات به انحراف کشیدن وی را فراهم می کند.

غرور و خودبرتربینی از جمله عوامل انحراف اخلاقی محسوب می شود و امام علی (علیه السلام) بارها از عجب و تکبر سخن بر میان آورده است و مردم را پرهیز داده و می فرماید: «آنگاه باشید. زنهار! زنهار! از پیروی بزرگانتان، آنان که بر اصل و نسب خود می نازند و خود را بالاتر از آنچه هستند می پندارند. مردم! از آنچه که بر ملت های متکبر گذر شده از کیفرها و عقوبتها و سختگیریها، ذلت و خواری فرود آمده عبرت گیرید و از قبرها و خاکی که بر آن چهره نهادند و زمین هائی که بر آن پهلوانان افتادند پند گیرید و از آثار و زشتی که غرور در دلها می گذارد به خدا پناه برید همانگونه که از حوادث سخت به او پناه می برید»

یکی دیگر از دلایل ناهنجاری های اخلاقی و اجتماعی به وجود آمده در نسل کودک و نوجوان و به انحراف کشیدن آنان توجه مادی بیش از حد والدین به فرزندان شان و در اختیار گذاشتن بدون حساب و کتاب پول و امکانات مادی اعم از لباس های گران قیمت، زیورآلات، لوازم لوکس، امکانات تحصیلی لاکچری و... می باشد و این رفاه زدگی را ایجاد می کند. امام علی (علیه السلام). این آسیب خطرناک را گوشزد فرموده است. هنگامی که به امام خبر دادند شریح بن حارث (قاضی امام) خانه ای به هشتاد دینار خریده، او را احضار کرد و پس از نگاه خشم آلود به وی فرمود: این کارو تو را از عزت و قناعت خارج کرده و به خواری و دنیاپرستی کشانده و در محله نابود شوندگان و کوچه هلاک شدگان قرار داده است. امام در ادامه می فرماید: این خانه اقدام به چهار جهت منتهی می گردد: یک سوی آن آفت ها و بلاها، سری دوم مصیبت ها، سوی

سوم هوا و هوس های سست کننده و سوی چهارم شیطان گمراه کننده قرار دارد و در خانه به روی شیطان گشوده است.

۲-۵- تذکرات بجا و به موقع

از آنجایی که انسان ها به صورت فطری نسبت به دیگران، به ویژه اعضاء خانواده خود حساس و مسئولیت پذیر هستند، باید این حساسیت ها به صورت کنترل شده، معقول و بر اساس دستورات دینی به کودک منتقل شود، یکی از راههای موجود تذکر و نصیحت است که پدران و مادران می توانند به اندازه، در زمان و مکان مناسب از آن استفاده کنند. امام علی (علیه السلام) در ضمن خطبه ای فرمودند: «ای مردم! انسان هر چند که ثروتمند باشد از عشیره اش بی نیاز نیست که از او با دست و زبانش دفاع کند» این گونه عواطف بین انسان ها که به طور فطری در وجود آدمی نهاده شده است، موجب می شود که انسان به دیگران احساس نیاز کند و در نتیجه، زمینه اجتماعی زیستن را سبب شود؛

۲-۵-۱- تذکر توام با عطف و بدون عصبانیت:

چنان که امام علی (علیه السلام) در ادامه همان خطبه فرمودند: «زیرا (عشیره) زمانی که حادثه ای پیش آید پر عاطفه ترین مردم نسبت به او هستند.» وقتی خطایی را از کودک دیدیم، باید بدون عصبانیت به وی تذکر داد و این نکات را رعایت نمود تا موعظه و نصیحت تاثیر گذار باشد: ۲-۵-۲ تا حد ممکن مخفیانه و در خلوت باشد:

علی (علیه السلام) می فرماید: هر کس برادر دینی خود را مخفیانه موعظه کند او را آراسته ولی اگر آشکارا و در میان جمع عیوبش را متذکر گردد به شخصیت وی اهانت نموده است. ۲-۵-۳- همراه با محبت و احسان باشد:

امام علی (علیه السلام) در منشور تربیتی خود به امام حسن مجتبی (علیه السلام) در به این نکته مهم و ظریف توجه نموده و می فرماید: «فرزند دلبندم! چون دیدم مالیاتی را پشت سر نهاده و به سستی درافتاده ام، بدین وصیت برای تو مبادرت نموده ام و خصلتهایی را در آن بر شمردم پیش از آنکه مرگ بشتابد و مرا دریابد و آنچه در اندیشه دارم به تو ناگفته ماند یا اندیشه ام همچون تنم نقصان بهم رساند با پیش از نصیحت من پاره ای خواهشهای نفسانی بر تو غالب گردد با فریبندگی های دنیا تو را بفریبید و همچون شتری گریزان و نافرمان باشی.

و به درستی که دل جوان همچون زمین ناکشته است، هر چه در آن افکنند، بپذیرد، پس به ادب آموختن پرداختن پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت هوایی دیگر گیرد.

امام (علیه السلام) در قسمت دیگر می فرماید: «..... چون به کار تو چونان پدری مهربان عنایت داشتیم و بر ادب آموختن همت گماشتیم، چنان دیدم که این عنایت در عنفوان جوانی ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک داری و نفسی صاف و بی آرایش».

۲-۵-۴- کوتاه، مختصر و ملایم:

در نصیحت دادن و تذکر عیوب نوجوانان نباید طولانی سخن گفت و شیرینی و حلاوت نصیحت را از بین برد برخورد مناسب و خوش اخلاقی یکی دیگر از اصول تذکر دادن و نصیحت دیگران است امام علی علیه السلام از آن به حسن خلق تعبیر کرده اند و در برخورد با دیگران رعایت آن را سفارش نموده اند: هیچ آسایش و لذتی گوارتر از حسن خلق نیست.

۲-۵-۵- انصاف داشتن:

حضرت علی (علیه السلام) در فرمانش به مالک اشتر می نویسد: نسبت به خدا و بندگانش انصاف را از دست مده و نسبت به اطرافیان و خانواده و زیردستان انصاف داشته باش که اگر انصاف را پیشه خود نسازی، ستم کرده ای و کسی که به بندگان خدا ستم کند، خدا دشمن او است.

۲-۵-۶- ایجاد محیطی امن و آرام

اگر والدین به وظیفه خود عمل کنند، نوعی آرامش توأم با آسایش برای دیگر اعضای خانواده فراهم می شود، زیرا کارکرد خانه همین است، تأمین آرامش جسم و تسکین جان اعضای آن است که البته مرهون امنیت همه جانبه ی این محیط برای اعضاست و این وعده قرآنی است که خانه های را محل آرامش معرفی می کند. فضای محدود و امن خانه، حریمی برای ابراز احساسات، بیان اسرار و تأمین نیازهای جسمی و روحی انسان است. چرا که خداوند می فرماید: «وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُم مِّنْ جُلُودِ الْاَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ اِقَامَتِكُمْ وَ مِّنْ اَصْوَابِهَا وَ اَوْبَارِهَا وَ اَشْعَارِهَا اَنْثًا وَ مَتَاعًا اِلٰى حِينٍ - و خداوند برای شما از خانه هاییتان، مایه آرامش قرار داد و برای شما از پوست های چهار پایان خیمه هایی قرار داد که روز کوچ شما و روز اقامت شما (حمل و نقل) آن را سبک و خفیف می یابید و از پشم و کرک و موهای آنها، برای مدتی لوازم و اسباب زندگی قرار داد»

والدین با عمل نمودن به وظایف خود بر اساس دستورات دینی و پیروی از عقل، می توانند تربیت و اخلاق را در خانواده حاکم خواهد شد و آن چیزی که مسلم است بی توجهی یا فراموش شدن وظایف تربیتی پدر و مادر و کم رنگ شدن نقش آنان در خانواده به ویژه در عصر حاضر عواقب ناگواری برای محیط خانواده و فضای جامعه در پی خواهد داشت و همین بی نظمی موجبات ناامنی و پریشانی خانواده را فراهم خواهد آورد.

خداوند خانه را مکانی امن دانسته و خطاب به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «فِي بُيُوتِ اٰذِنِ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اِسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ - (این نور هدایت در خانه هایی است که خدا اذن داده رفعت یابند و نام او در آنها ذکر شود. در آنها بامدادان و شامگاهان او را تسبیح گویند»

۲-۵-۷ نظم در امور و برنامه ریزی

امام علی (علیه السلام) به امام حسن و امام حسین (علیهم السلام)، و همه کسانی که وصیت نامه حضرت به آنان می رسد این گونه وصیت کرد: «أَوْصِيكُمْ وَ جَمِيعَ وَ لَدَى وَ أَهْلِي وَ مَنْ بُلَّغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ» شما (حسن و حسین)، تمام فرزندان، خانواده و کسانی را که این نامه من به آنها می رسد، به تقوای الهی و نظم در کارها سفارش می کنم» بی برنامه‌گی در هر سنی منجر به نوعی انحراف خواهد شد و این مسئله در کودکان نیز می تواند مشکلاتی را ایجاد نماید. بنابراین اشتغال و پر کردن اوقات فراغت را جدی بگیرید؛ امام علی علیه السلام می فرماید: اگر نفس را به کاری مشغول نکنی، او تو را به کاری مشغول می کند. هنگامی که انسان مشغول است، فکر و خیالش درگیر است و فرصت پرداختن به تحریکات شیطانی را ندارد. شهید مطهری می فرماید: کار، باعث جلوگیری از گناه و معصیت می شود؛ زیرا انسان با طبیعت، در حال مبادله است و از آن انرژی و نیرو می گیرد و این انرژی و نیرو باید در جایی مصرف شود و در غیر این صورت، انسان را به گناه و ناهنجاری می کشاند و بهترین مجرای صرف انرژی متراکم در انسان، کار و فعالیت بدنی و روانی است.

باید به این نکته توجه کنیم که شرایط فرهنگی و اجتماعی از جمله عوامل مؤثر بر گرایش مردم یک جامعه به سخت کوشی و تلاش و یا بالعکس تنبلی و سستی است و باید این واقعیت را بپذیریم که بنا به دلایل گوناگون، امروزه غالب نوجوانان ما از زحمت و سخت کوشی گریخته و راحت طلب شده اند.

کار برای کودک فقط برای کسب درآمد نیست، هر چند هستند افرادی در همین سن و سال کودکی و نوجوانی که جذب بازار کار شده و حتی نان آور خانواده می باشند ولی به هر حال، از اموری که می توان فرزندان را به آن ترغیب نمود تا از بیکاری نجات پیدا کنند، عبارتند از: ورزش کردن، مطالعه و علم آموزی، رفتن به مساجد و هیئت های مذهبی، شرکت در امور خیریه، آموزش های فنی، صنعتی، هنری و

«و قال عليه السلام: لِمُؤْمِنٍ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ، فَسَاعَةٌ يَبْتَاعُ فِيهَا رَبَّهُ، وَ سَاعَةٌ يَرُمُّ مَعَا شَهُ، وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتْهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ، وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرْمَةٌ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةٌ فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةٌ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ.» - امام علیه السلام فرمود: انسان با ایمان ساعات شبانه روز خود را به سه بخش تقسیم می کند: قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش می کند و قسمت دیگری را برای ترمیم معاش و کسب و کار زندگی قرار می دهد و قسمت سوم را برای بهره گیری از لذات حلال و دلپسند می گذارد و سزاوار نیست که انسان عاقل حرکتش جز در سه چیز باشد: مرمّت معاش، گامی در راه معاد و لذت در غیر حرام» با توجه به این فرمایش امام علی (علیه السلام) همانطور که یک فرد بزرگسال نیاز به برنامه و کار و نظم در

امور دارد. در کودکان نیز این مسئله باید وجود داشته باشد، البته با توجه به شرایط سنی،
علائق آنان و ... باید این امر توسط والدین برنامه ریزی شود.
امام علی (علیه السلام) در مورد برنامه ریزی و استفاده از فرصت ها می فرمایند: «الفرصة غنم -
زمان و فرصت غنیمت و منفعتی است (که با چیزی قابل معاوضه نیست)» و در جای دیگر می
فرمایند: «الفرصة تمرُّ مرَّ السحابِ. فانتبهوا فرَصَ الخیرِ. امام علی علیه السلام: فرصت، چون ابر
می گذرد. پس، فرصت های کار خوب را غنیمت شمردید»

نتیجه گیری

در این مقاله که با عنوان « نقش والدین در تربیت اخلاق کودک از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه » می باشد، نتایج ذیل به دست آمده است:

۱- اسلام مسئولیت محوری پدران و مادران را در تربیت اخلاقی و معنوی کودکان و نوجوانان بسیار زیربنایی می داند و والدین باید به اهمیت نقش خود واقف شده و در جهت بالابردن سطح اطلاعات خود در این زمینه کوشش نمایند.

۲- کودکان به عنوان یک مقلد و الگوپذیر، نیازمند یک تکیه گاه قابل اعتماد می باشند و می بایست اعتماد فرزندان خود را جلب و خیال آنها را درباره توانایی های خویش در زمینه تربیت آسوده کنند و اولین و مهمترین کاری که والدین در زمینه نقش آفرینی خویش می توانند انجام دهند این است که اعتماد فرزندان را به توانایی دانایی و خیرخواهی خود جلب نمایند.

۳- تزکیه بر تعلیم مقدم است و به همین دلیل یکی از نقش های پدر و مادر در قبال فرزندان، حفظ ایمان و معرفت آنان است و در این راه نباید از هیچ کوششی دریغ نمایند و از هر فرصتی باید در جهت تقویت ایمان خود و اهل خانه کوشا باشند.

۴- محل زندگی کودک و مکان هایی که در آنجا رفت و آمد دارد، چنانچه جای نامناسب باشد، می تواند شرایط تحقق عمل انحرافی را در کودک ایجاد نماید و معمولاً انحراف ها در مکانی انجام می شود که نظارت صحیح از طرف والدین و مسئولان امر نیست.

۵- رفاه زدگی و غرور و خودبرتربینی از جمله عوامل انحراف اخلاقی محسوب می شود، توجه مادی بیش از حد والدین به فرزندان شان و در اختیار گذاشتن تمامی امکانات مادی می تواند عواقب جبران ناپذیری را برای آینده کودک رقم بزند.

۶- باید نسبت به کودک و اعمال وی حساس بود ولی این حساسیت ها به صورت کنترل شده، معقول و بر اساس دستورات دینی به کودک منتقل شود، مثلاً تذکر و نصیحت به اندازه، در زمان و مکان مناسب باشد و وقتی خطایی را از کودک دیدیم، باید بدون عصبانیت به وی تذکر داد و همچنین مخفیانه موعظه کند، نباید طولانی با کودک سخن گفت.

۷- برخورد مناسب و خوش اخلاقی و رعایت انصاف از طرف والدین ضروری می باشد. تأمین آرامش جسم و تسکین جان کودک از دیگر برنامه های والدین می باشد و برای زندگی روزمره کودک، با توجه به روحیات وی و سنش باید برنامه ریزی داشت.

منابع و مأخذ

- * قرآن کریم (ترجمه الهی قمشه ای و حسین انصاریان)
- * سید رضی ، محمد بن حسین ، گردآورنده نهج البلاغه ، مترجم محمد دشتی انتشارات مشهور ، قم، ۱۳۷۹ش
۱. ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت. انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲ش
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، انتشارات مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق
۳. امام خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، ج ۱۴، نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۲ش
۴. آمدی، ابوالفتح، غررالحکم و درر الکلم (سخنان کوتاه امام علی ع) انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش
۵. بیرو، آن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵ش
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مکتبه اسلامیة، تهران، بی چا، ۱۴۰۱ق
۷. حویزی (هویزی)، عبد علی ابن جمعه، تفسیر نورالثقلین، انتشارات مطبوعه العلمیه، ۱۳۸۳ق
۸. خوانساری، جمال الدین محمد، شررالحکم و دررالحکم، انتشارات دانشگاه تهران. چاپ ۶، ۱۳۸۴ش
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا به انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۷
۱۰. دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود، اخلاق اسلامی، نشر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، چاپ ۱۸۵، ۱۳۹۶ش
۱۱. شعاری نژاد، علی اکبر، روانشناسی رشد، انتشارات اطلاعات، چاپ بیستم، ۱۳۹۲ش
۱۲. فراهیدی خلیل بن احمد فراهیدی العین، انتشارات موسسه الاعلمی، ۱۴۰۸ق
۱۳. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ ۹، انتشارات امیری، ۱۳۷۴ش
۱۴. قیومی، احمد المفری، المصباح المنیر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۵ق-
۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم. ۱۳۸۲ ش
۱۶. مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، انتشارات شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۴ش
۱۷. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش
۱۸. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۶
۱۹. معین، محمد، فرهنگ معین، تدوین سید جعفر شهیدی، انتشارات امیر کبیر تهران، ۱۳۸۸ش

۲۰. مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۷ش
۲۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الو سائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، ناشر آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۳۶۹ش
۲۲. واثقی، قاسم، در سہایی از اخلاق مدیریت، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۴ش
- نشریات:
۱. رشید پور، مجید، چگونه باید تربیت کرد. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۹
 ۲. مهدیزاده، حسین، «کاوشی در ریشه ی قرآنی واژه ی تربیت» نشریه معرفت، ش ۵۹